



داکتر سید موسی صمیمی

Political Economy

*Promoting dialogue and
discourse*

Dr. Said Musa Samimy

Emalil: Samimy@t-online.de

خروج نیرو های رزمی بین المللی از افغانستان

- اجتناب نا پذیری تاریخی و پی آمد های سیاسی- اقتصادی آن -

مکن هایم، نوامبر سال 2013

1. پیشگفتار
2. الزامات خروج نیرو های رزمی بین المللی از افغانستان
 - 2.1 نیاز سیاسی و ناگزیری تاریخی خروج نیرو های خارجی
 - 2.1.1 ازمنه ی دور تاریخی
 - 2.1.2 افغانستان معاصر
 - 2.1.3 "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" و قشون سرخ
 - 2.3.4 قشر نوپا و نیرو های بین المللی
 - 2.2 پیشینه تصمیم گیری درمورد خروج نیرو های رزمی
 - 2.2.1 نشست سران کشور های عضو ناتو در لزبن: طرح زیر ساخت نظری خروج نیرو ها
 - 2.2.2 نشست سران کشور های عضو ناتو در شیکاگو: بازدید کلی بر استراتژی نظامی
3. ارزیابی انتقادی
 - 3.1 دگرگونی معادلات سیاسی و اقتصادی قشر نو پا
 - 3.2 پی آمد های درون مرزی خروج نیرو ها
 - 3.2.1 مقایسه نا رسای تاریخی
 - 3.2.2 تقویه نیرو های امنیتی افغانی: نارسایی مبارزه قاطع با دهشت افگنی
 - 3.2.3 پی آمد های اقتصادی: هزینه ی خارج از توانایی های مالی کشور
 - 3.2.4 پی آمد های سیاسی: عدم نهادینه شدن دموکراسی
 - 3.2.4.1 بافت سیاسی - نظامی قشر نوپا
 - 3.2.4.2 دگر گونی ترکیب معادلات سیاسی در یک دهه
 - 3.3 پی آمد های بیرون مرزی: تعدد بازیگران سیاسی در "بازی بزرگ معاصر"
 - 3.3.1 مواضع غرب: تامین نسبی ثبات سیاسی توام با حد اقل آزادی های مدنی
 - 3.3.2 مواضع کشور های ریک (روسیه، هند و چین) : تبتانی و تبتاین
 - 3.3.3 نگرانی جمهوریت های آسیای مرکزی: گره خوردگی های سیاسی و اقتصادی
 - 3.3.4 هم چشمی های قاتلانہ همسایگان در پرتو سیاست های تمامیت گرایی
 - 3.4 مخالفان مسلح: نیروی آشوبگر و فاقد چشم انداز برنامه ی آشتی ملی
 - 3.5 نظرات در مورد انکشاف احتمالی اوضاع سیاسی
 - 3.5.1 تصورات بنیاد "دانش و سیاست آلمان"
 - 3.5.2 تصورات زلمی خلیل زاد، امریکایی متنفذ افغان تبار
 - 3.5.3 راهکار های بدور از امکانات عملی
 - 3.5.4 گذرگاه تنگ انتخابات: بمثابه یگانه رهکار مسالمت آمیز
 - 3.5.4.1 جنگ های زرگری در آستانه انتخابات ریاست جمهوری
 - 3.5.4.2 گفتمان بدیل سیاسی: "حکومت داری هوشمند" در برابر "حکومت الیگارشی نوپا"
 4. نتیجه گیری : فقدان در ورودی جهانشمول به "آرمانگاه" ملی
 5. رویکردها
 6. ضمیمه: لست احزاب سیاسی

3.2.2.2 دشواری های غلبه بر یک مولفه پیچیده اجتماعی-سیاسی از طریق نظامی

اینکه خروج نیرو های بین المللی منجر به دگرگونی های نسبی نخست در درون کشور شده، و همچنان زمینه واکنش های مختلف کشور های همسایه های دور و نزدیک را در قبال دارد، تعجب آور نیست. ولی شگفت انگیز این نکته است که در مورد غلبه بر دشواری های پسا خروج از همه بیشتر بر کمیت نیرو های امنیتی افغان صحنه گذاشته میشود. اینکه آینده کشور تا اندازه ای در "هاله از ابهام" قرار دارد، و کشور با چالش های زیادی مواجه خواهد شد، یک طرف سکه است. ولی راه حل یک معضله بغرنج سیاسی- اجتماعی را که در ابعاد چندی باهم سخت گره خورده است، به سطح آمار احصایی و آن هم صرف به تعداد نیروهای امنیتی کشور به مثابه "حافظ صلح" پیوند زدن، بدور از ارزیابی معیاری یک مساله بغرنج اجتماعی است. ولی به زودی باید افزود که تعداد مشخص نیرو های منظم ارتش و پولیس که با تجهیزات لازم آراسته باشد و تحت قوماندانی حرفوی سالم و در چارچوب یک نظام دموکراتیک کارروایی نماید، میتواند در راه حل دشواری های سیاسی کشور نقش عمده بازی نماید. کارآیی نیرو های امنیتی به مراتب بیشتر خواهد بود، اگر درین راه گام های سیاسی و اجتماعی موثر نیز برداشته شوند. در بین معادله گویا راهکار های نظامی و سیاسی میتوانند مکمل همدیگر باشند.

در گزارشی که پنتاگون، وزارت دفاع ایالات متحده امریکا برای کانگرس آنکشور در جولای سال 2013 تهیه کرده است، از جمله اوضاع امنیتی افغانستان را تحت ارزیابی انتقادی قرار میدهد. (42) بنابر همین گزارش، کیفیت رهبری ارتش افغانستان که دارای اهمیت بنیادی میباشد، روز بروز بهتر میگردد. آکادمی ملی اردوی افغانستان و آکادمی افسران اردوی افغانستان در حرفوی سازی ارتش افغانستان نقش کلیدی بازی مینمایند. آکادمی آموزش افسران افغانستان بر اساس الگوی ویست پوینت - West Point -، آکادمی آموزش افسران ایالات متحد امریکا تنظیم یافته است. (43) در ارتش افغانستان به شکل روز افزون نیرو های عملیاتی ویژه نقش مهمتری بازی مینمایند. در حدود 90 درصد فعالیت های ویژه ارتش را این گروه بر دوش گرفته است. نظر به همین تحقیق، یکی از دشواری های مهم مساله اکمالات است. مدیریت این بخش (ترتیب، تهیه، فرستادن و تسلیمی) در دوره انتقالی آهسته آهسته رو به بهبودی است. تنظیم اکمالات از قوماندانی عمومی در کابل به پنج قوماندانی مرکزی در ولایات و از مرکز ولایات به چهارده پایگاه نظامی دیگر به وقت معین و مطابق به نیازمندی های هر منطقه، در واقع هنوز هم چالش را میباشد.

چالش مهم در مورد ظرفیت های رزمی ارتش در بخش نیرو های هوایی دیده میشود. نظر به گزارش پنتاگون نیروی هوایی کشور شاید تا سال 2018 به بسیج و آموزش نیروهای فنی مورد نیاز موفق نشود. همچنان 89 بال هلی کاپتر جنگی نوع Mi-17 جوابگوی نیازمندی جنگی کشور نخواهد بود. بهمین منوال آموزش پیلوت های هواپیماهای نوع C-130H تازه در ماه می سال 3013 آغاز شده است. پنتاگون فساد اداری و نفوذ مخالفین مسلح در ارتش را مانند گذشته ها چالشی بزرگ میخواند. (44)

قوای پولیس افغانستان که در می سال 2013 به 152 هزار بالغ می شد، به نوبت خود با چالش های زیاد از قبیل بسیج، آموزش و تجهیز مواجه میباشد. نقش پولیس بو یژه در مبارزه با جنایات بسیار مهم تلقی شود. پولیس می بایست به شکل حرفوی دارای کفایت های مبارزاتی با جنایات بوده، وفادار

به نظام باشد، پابندی به مقررات داشته باشد و از اعتماد مردم برخوردار باشد. ولی دستگاه پولیس افغانستان با چالش های جدی از قبیل بی سوادی، فرار از وظیفه، فساد اداری و عدم اعتماد لازم از طرف مردم مواجه می باشد. به طبق یک نظر سنجی که در سال 2012 صورت گرفته است، "رشوت خواستن، غذا طلبیدن، وارد کردن فشار فیزیکی شدید، اتهام بستن نادرست برای انجام جرم کوچک، درخواست رشوت برای محافظت و امنیت و مجبور ساختن برای شتراک در جرم" در سال 2012 نظر به سال 2011 حتی بیشتر شده است. ولی 81 درصد صاحبه شوندگان گفته اند که وظایف پولیس قابل احترام است. (45) بازرسان ویژه ایالات متحده امریکا برای بازسازی افغانستان می گوید که حکومت کابل حتی نمی تواند مشخص کند که واقعاً چه تعداد افراد در صفوف نیروهای پولیس این کشور شامل اند. (46) درینجا باید افزود که نه تنها کمیت ارتش ملی، بلکه کیفیت رزمی نیروهای امنیتی در کل دارای کاستی های جدی می باشد. اینکه درین راستا ایالات متحده و یا کشور های دیگر عضو ناتو آمادگی دارند، تا این کاستی ها را رفع نمایند و هزینه تهیه تجهیزات مورد نیاز را تهیه نمایند، کاملاً مشهود است. ولی غرب به هیچ وجه در نظر ندارد که مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق که حکومت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به چهارمین کشور پر توان مسلح در منطقه تبدیل کرده بود، امروز افغانستان را برای جنگ منطقوی مسلح بسازد. با وجود آن هم از اوضاع چنین بر می آید که حکومت افغانستان درین مورد نگران می باشد. ولی حامد کرزی با وجود فقدان مالی از بودجه خود کشور می گوید: "اگر ناتو به ویژه امریکا نیروهای امنیتی افغانستان را با جنگ افزارهای سنگین و هواپیماهای نظامی مجهز نسازد، افغانستان این نیاز را از کشورهای دیگر برآورده خواهد کرد" (47)

به اساس یک پژوهش بنیاد "رند کارپوریشن امریکایی -Rand Corporation-"، که از سال 1945 باینسو 90 جنبش شورش مختلف را در سرتاسر جهان مورد ارزیابی قرار داده است، در مورد غلبه بر "شورشیان مسلح" سه عامل مختلف تعیین کننده می باشد:

- کفایت های نیروهای امنیتی بومی، به ویژه پولیس کشور،
- شبیه حکومت داری محلی و در اخیر
- پشتیبانی خارجی نیروهای شورشی، بویژه امکانات "پناه گاه ها" (48)

به تصور شیرارد کاور کولز (Sharad Cowper-Coles)، سفیر پیشین بریتانیا در کابل، چگونگی حتی یکی ازین عوامل سه گانه هم به نفع امنیت در افغانستان نیست. (49)

نظر به کاستی ها و بی ریختی های نیروهای امنیتی کشور، خروج نیروهای بین المللی از افغانستان بعد از سال 2014، در واقع برای مردم افغانستان نگران کننده است. ولی از آنجا بیکه خروج نیروهای رزمی از کشور یک نیاز سیاسی بوده و از نگاه تاریخی ناگزیر می باشد، در راستای تامین "حاکمیت ملی کشور" کابل می بایست بالآخره برای امنیت کشور تصامیم درخور مبارزه با دهشت افگنی اتخاذ نموده و گام های عملی علیه نیروهای اخلاص گر بردارد. تجارب تاریخی در تمام جوامع پسا منازعه شهادت میدهد، که با وجود اهمیت نیروهای امنیتی برای تامین ثبات سیاسی، روند صلح و دگرگونی ذهنیت های بازیگران ساسی و بکاربرد سیاست های کارای مبارزه علیه فساد اداری از اهمیت کلیدی بر خوردار می باشد. تصمیم نیروهای رزمی در جهت "افغانیزه کردن مبارزه علیه دهشت افگنی"، نظر به توافقات شیکاگو "برگشت ناپذیر" می باشد، حتی اگر کشور های ناتو تمام هزینه ی امنیتی را در هندوکش هم متقبل شوند. طوریکه اشرف غنی احمد زی، مسوول "دوره انتقال

مسئولیت" میگوید یک عسکر امریکایی سالانه یک میلیون دلار امریکایی در افغانستان مصرف دارد، در حالیکه هزینه یک عسکر افغان به 16 هزار دلار بالغ می شود. (50)

3.2.3. پی آمد های اقتصادی: فشار کمر شکن نظامی در ازای خدمات اجتماعی

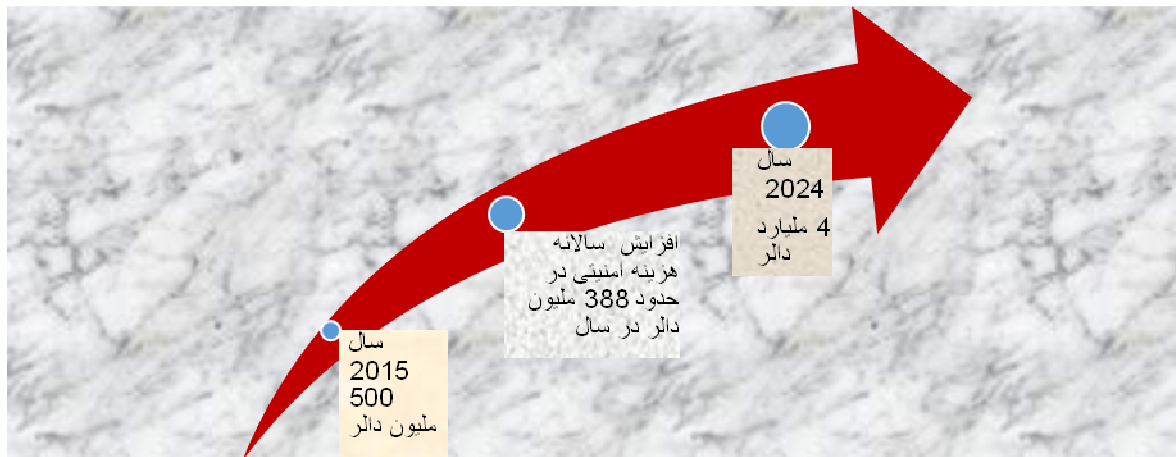
تاثیر گذاری اقتصادی خروج نیرو های رزمی بین المللی از افغانستان اکنون در دو بخشی که با هم گره خورده اند، ارزیابی میگردد:

- تاثیر گذاری مستقیم از طریق سنگینی روز افزون بودجه نظامی و
- پی آمد های غیر مستقیم از طریق چگونگی انکشاف اقتصاد کلان - macroeconomics -

بتاسی از اظهارات آندرس فوگ راسموسن -Anders Fogh Rasmussen-، دبیر کل ناتو در نشست سران کشور های عضو این پیمان در شیکاگو، هزینه امنیتی افغانستان در "دهه ی پسا خروج" (از سال 2014 تا 2024) سالانه بر چهار میلیارد دلار امریکایی بالغ میگردد. آقای کرزی در بیانیه خویش در همان نشست تعهد سپرد که افغانستان پس از سال 2014 در قدم اول در حدود 500 میلیون دلار در بودجه نظامی کشور (چهار میلیارد دلار) سهم خویش را ادا مینماید. باز هم به تاسی از فیصله نامه شیکاگو قرار است که سهم افغانستان در هزینه امنیتی آهسته آهسته بیشتر گردیده و برخلاف سهم کشور های ناتو به تناسب آن کمتر گردد. (51)

به این ترتیب سهم افغانستان در بودجه مالی امنیتی کشور از 12,5 در صد در سال 2015 گویا به صد در صد در سال 2024 افزایش می یابد، بر خلاف سهم کشورهای ناتو از 87,5 درصد در سال 2015 آهسته آهسته کاهش یافته و در سال 2024 به صفر می رسد. در آخرین تحلیل باید افغانستان سالانه به شکل اوسط در حدود 388 میلیون دلار امریکایی هزینه اضافی امنیتی را بپذیرد. حال چگونگی فشار مالی این بودجه امنیتی را از یکسو در رابطه با انکشاف بودجه کل کشور و از سوی دیگر در پیوند با انکشاف محصولات ناخالص اجتماعی کشور در دهه ی پسا خروج ارزیابی می نماییم.

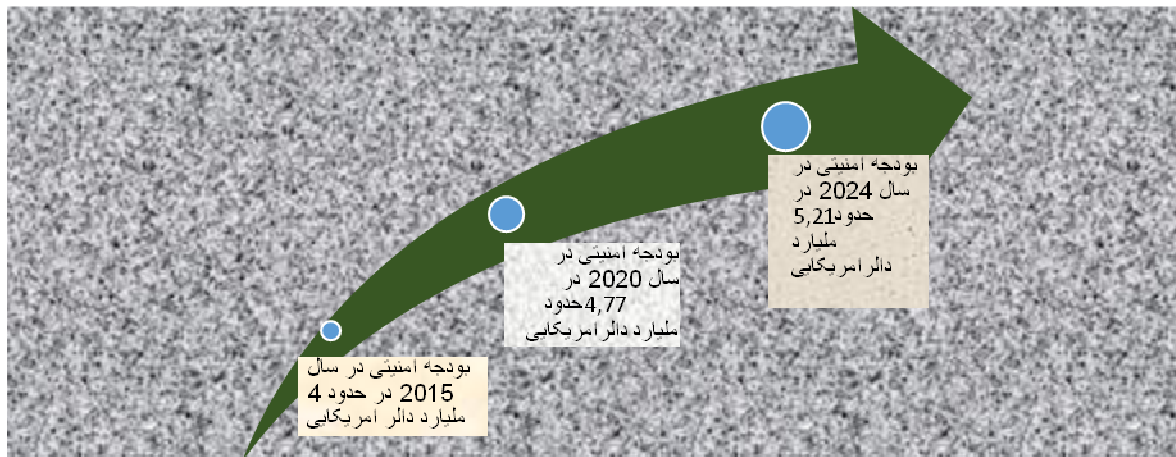
سیمای انکشاف سهم هزینه امنیتی کشور در دهه تغییر
- بدون در نظر داشت افزایش دست کم 3 در صد در بودجه امنیتی -



مجموع بودجه دولت مرکزی افغانستان - به شمول منابع مالی خارجی امور انکشافی - در سال 1392 (2012/2013 عیسوی) بر 6,8 میلیارد دلار امریکایی بالغ میگردد. (52) با وجود دشواری هایی که در قسمت انکشاف بودجه افغانستان وجود دارد، اگر انکشاف بودجه را سالانه در حدود یک صد میلیون دلار امریکایی فرض نماییم، حجم بودجه کشور در سال 2015 - باخوش بینی - بر هفت میلیارد دلار امریکایی خواهد رسید. درین صورت سهم هزینه بخش امنیتی خود کشور در سال 2015 در بودجه کل کشور بر 5,7 درصد بالغ میگردد. این رقم برای کشوری پسا منازعه مانند افغانستان بسیار بحث انگیز میباشد. ولی از آنجایی که این سهمیه کشور سالانه در حدود 388 میلیون دلار بیشتر میگردد، آهسته آهسته بار این سهمیه روند کمر شکن بخود میگیرد. اگر سالانه بودجه کل کشور - عادی و انکشافی- در حدود یک صد میلیون دلار افزایش یابد، به این ترتیب بودجه مرکزی کشور در سال 2024 بر 8 میلیارد دلار امریکایی بالغ خواهد شد. با این انکشاف توام با خوشبینی در آن زمان هزینه امنیتی کشور با رقم 4 میلیارد دلار 50 در صد بودجه کشور را احتوا خواهد کرد. این رقم در تاریخ معاصر برای هیچ کشوری و در هیچ حالتی قابل هضم نبوده و عاری از هر نوع درایت سیاسی و مدیریت اقتصادی میباشد.

تا اینجا انکشاف بودجه امنیتی از سال 2014 تا 2024 ثابت فرض شده و بصورت یقین این فرضیه بدور از نیاز روز افزون بودجه امنیتی تصور شده است. اگر بخواهیم که پایه انکشاف بودجه امنیتی را در حدود 3 در صد فرض کنیم، سیر بودجه امنیتی به نوبت خود به انکشاف سر سام آوری منجر خواهد شد. چنانچه اگر برای سال 2015 از رقم چهار میلیارد دلار برای بودجه امنیتی آغاز نماییم، و پایه 3 در صد سالانه انکشاف این بودجه را در محاسبه خویش دخیل سازیم، در نتیجه بودجه امنیتی در سال 2020 بر 4,77 میلیارد دلار امریکایی و در سال 2024 بر 5,29 میلیارد دلار امریکایی بالغ خواهد شد.

سیمای انکشاف هزینه امنیتی کشور در دهه تغییر
- با در نظر داشت افزایش دست کم 3 در صد در بودجه امنیتی -



اگر این رقم را در مقایسه با بودجه کل کشور در سال 2024 و یا با محصول ناخالص اجتماعی در سال 2024 قرار دهیم، برای هر شخص مسوولیت پذیر و حسابه کشور بیشتر از یک هیولای احصایی و بدور از فراست حکومت داری خوب می باشد.

ولی در واقع فضای انکشاف احتمالی آمار اقتصاد بزرگ کشور، که بودجه حکومت مرکزی بایست در رابطه به آن ارزیابی گردد، هنوز هم بیشتر مکرر دیده میشود. درینجا میتوان این عوامل را موثر شمرد:

➤ کاهش علایق جامعه جهانی: با وجود تعهدات کنفرانس توکیو و سپردن تعهدات مالی در حدود 16 میلیارد دلار برای بخش های غیر نظامی، احتمال می رود که خروج نیرو های خارجی از کشور منجر به کاهش علایق جامعه جهانی به افغانستان گردد. (53) پی آمد مستقیم این تمایل کاهش کمک های مالی بین المللی به پیمان چشمگیر خواهد بود.

➤ نظر به حدس بانک جهانی، کاهش کمک های مالی به افغانستان به نوبت خویش به کاهش دو تا سه درصد محصول ناخالص اجتماعی درون کشور خواهد انجامید. (54)

➤ همزمان با خروج نیرو های رزمی، فرار سرمایه از کشور، که درین اواخر هنوز هم بیشتر گردیده است، عامل مهم تاثیر گذار دیگر بر پیکر اقتصادی کشور تلقی می شود. آگاهان سیاسی فرار سرمایه از افغانستان را در سال 2011 در حدود 4,6 میلیارد دلار رقم میزنند. (55)

➤ ضربه پذیری انکشاف محصول ناخالص اجتماعی درون کشور: محصول ناخالص اجتماعی درون مرزی به اساس نرخ تبادله در سال 2012 به 19,85 میلیارد دلار امریکایی بالغ می شود. (56) این رقم، محصول پایه رشد اقتصادی بی نظیر کشور - در حدود 8 تا ده درصد سالانه - در دهه اخیر بوده است. احتمال زیاد می رود که عوامل تاثیر گذار بر پایه رشد بی سابقه کشور در جهتی انکشاف نماید که به شکل عوامل بازدارنده منجر به کاهش پایه رشد اقتصادی گردد. در نتیجه اقتصاد کشور در بهترین حالت، اگر با رکود مواجه نگردد، بیشتر

از دو تا سه در صد انکشاف خواهد کرد. در آن صورت – گویا در بهترین حالت – محصول ناخالص اجتماعی درون مرزی باساز ترخ تبادله در سال 2015 به بیشتر از 22 میلیارد دالر خواهد رسید. سهم هزینه امنیتی درین صورت به تناسب محصول ناخالص اجتماعی در همین سال به 2,3 در صد می رسد، که آهسته آهسته افزایش چشمگیر مینماید.

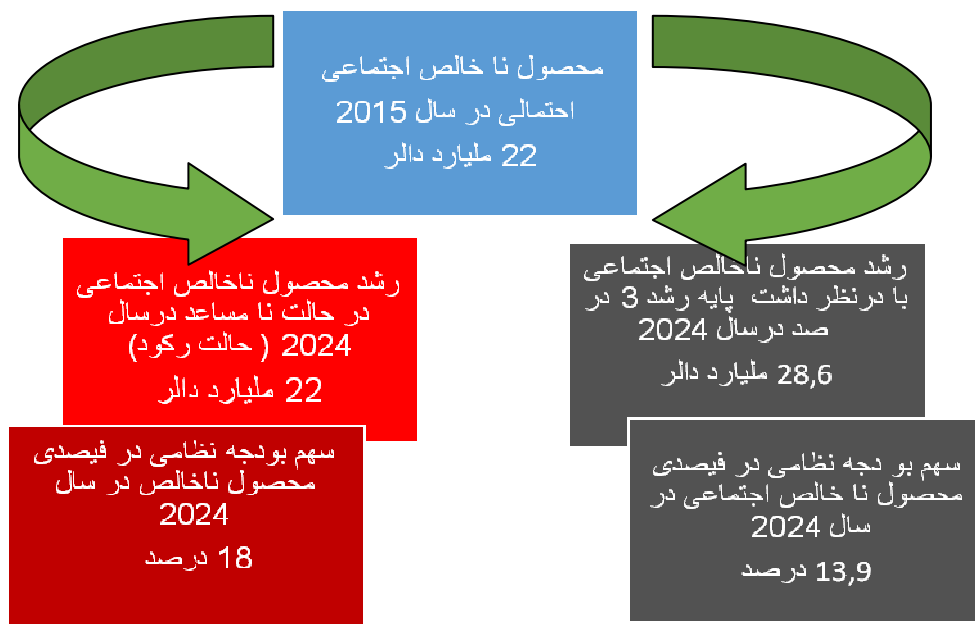
انکشاف محصول ناخالص ملی را میتوان تا سال 2024 در دو حالت مناسب و غیر مناسب – توام با خوشنیتی و بد بینی – در سنجش دخیل ساخته و آنرا در رابطه با سهم بودجه نظامی ارزیابی نماییم: در حالت مناسب پایه رشد محصول ناخالص درون مرزی در حدود سه در صد فرض میشود و در حالت غیر مساعد – با در نظر داشت عملی شدن عوامل منفی – پایه رشد به صفر رسیده و محصول اجتماعی گویا با رکود مواجه میشود. تاثیرات احتمالی این دو حالت را میتوان این طور ترسیم نمود:

برای سنجش محصول ناخالص اجتماعی این فورمول بکار برده میشود:

$$K(n) = K(0) \cdot q^n \text{ mit } q = \left(1 + \frac{p}{100}\right)$$

در حالیکه $K(0)$ رقم نخستین محصول ناخالص اجتماعی درون مرزی در سال 2015 و $K(n)$ رقم اخیر را در سال 2024، P پایه رشد و q عامل پایه رشد را ترسیم مینماید.

سیمای رشد محصول ناخالص درون مرزی در رابطه با سهم بودجه نظامی

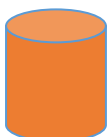
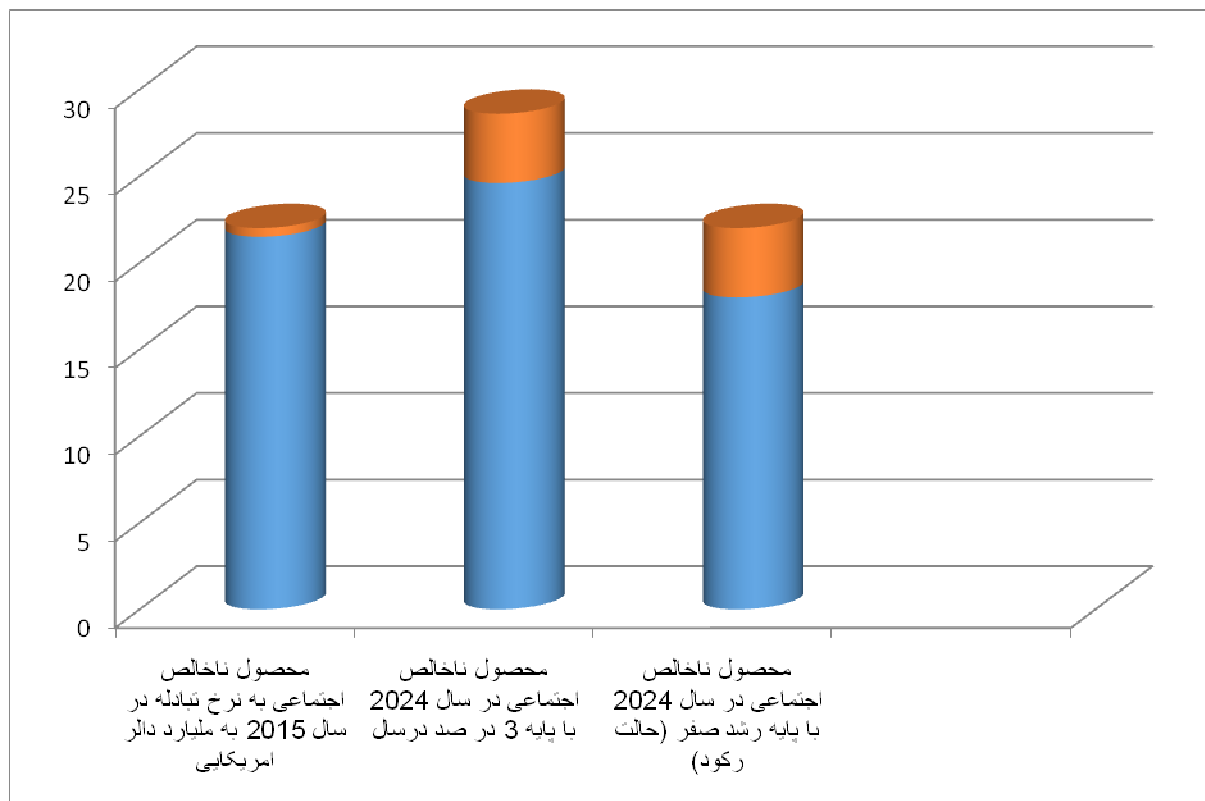


به اساس این سنجش محصول ناخالص اجتماعی در سال 2024 در حالت نامساعد با 18 در صد در بخش نظامی و در حالت مساعد با 13,9 در صد تخصیص می یابد: هیچ یکی ازین امار گزینه قابل پذیرش پنداشته نمیشود.

سنگش هزینه مالی، بویژه سهم حکومت کابل در پروژه کلیدی "امنیت" برای سر نوشت افغانستان بدور از توانایی های اقتصادی درونی کشور و امکانات دسترسی مطمئن به منابع مناسب خارجی شکل گرفته است. نخست از همه باید گفت که این راهکار، یعنی تشکیل، سازماندهی و تمویل یک نیروی بزرگ امنیتی – که حکومت کابل بر آن تکیه میزند، به تنهایی در مبارزه با "دهشت افگنی" بحث انگیز است. تجارب تاریخی بیانگر این نکته است که در مبارزه با "دهشت افگنی" کشور به ساختار های امنیتی سالم نیاز دارد؛ نیروی خوب آموزش دیده، وفادار به ارزش های قانون اساسی و حاکمیت قانون و آن هم تحت رهبری ملکی مسوولیت پذیر و حساسه شرط اساسی مبارزه با "دهشت افگنی" است. ولی این شرط به تنهایی برای ثبات سیاسی به هیچگونه بسنده نمی باشد.

چون "دهشت افگنی" خود تنها یک "تاکتیک تباه کن جنگی" نبوده و بیشتر از یک مولفه تخریکی میباشد، در مبارزه با آن می بایست عنصر "امنیت" در پیوند تنگاتنگ با ملحوظات مناسب اجتماعی، تدابیر هدفمند سیاسی-اقتصادی و با در نظر داشت الگوی بهینه ارزیابی گردد. در گزینش راهکار امنیتی افغانستان، طوریکه قبلاً ترسیم شد، حجم بار امنیتی میتواند تنها و تنها در ازای سکتور های خدمات اجتماعی، از قبیل امور صحت، آموزش و پرورش و دیگر خدمات اجتماعی تکافو گردد. این انتقال ثقلت بودجه از خدمات اجتماعی به نفع مساله امنیت، محققاً نارضایتی و عدم اعتماد شهروندان را به حکومت داری بیشتر میسازد. از آنجا ییکه نظر به نظام گسترده مرکزی و عدم طرح بر نامه های عدالت سمتی، ولایات بیشتر ازین کاهش بودجه خدمات متأثر خواهند شد، پی آمد آن میتواند در فرار نیرو های پیرامونی از مرکز هویدا گردد، با نتایج نا گوار سیاسی و جبران ناپذیر برای کشور.

سیمای رشد محصول ناخالص درون مرزی در رابطه با سهم بودجه نظامی



سهم بودجه نظامی در محصول ناخالص اجتماعی در حالات مختلف انکاف اقتصادی

تاثیر گذاری های ناگوار غیر مستقیم بر اقتصاد کشور

هیدر بر – Heather Barr -، یک تن از پژوهشگران بنیاد "نگهبان حقوق بشر مینویسد که در افغانستان همه کس به این باور است که پس از خروج نیرو های رزمی "نظام اقتصادی کشور فرو میریزد." (57) کاهش کمک های مالی بین المللی خود به نوبت خویش نخست منجر به بیکاری گروه ها و سازمان های می شود، که در خدمت نیرو های نظامی بودند. درینجا میتوان از شرکت های اکمالاتی افغانی و شرکت های امنیتی شخصی نام گرفت. طوریکه کریستا مهار، همکار مجله تایم "Time" از کابل گزارش میدهد، شاید در افغانستان تنها و تنها از طریق کاهش مشاغل در بخش های شرکت های وابسته در حدود 500 هزار نفر کار خود را از دست دهند. در حال حاضر و نظر به افق مکرر سیاسی و فضای نا مساعد سرمایه گذاری در کشور، نور امیدی برای جذب و جلب این بیکاران دیده نمیشود. (58)

فضای نامساعد برای سرمایه گذاری

حجم سرمایه گذاری های خارجی و داخلی، از جمله به این عوامل وابستگی دارد:

- محیط مطمئن سیاسی،
- اوضاع امنیتی،
- حاکمیت قانون و در اخیر
- روند انتقال مسوولیت که به نوبت خویش بیانگر درجه "خطرات" برای سرمایه گذاران میباشد.

در گزارشی که در مورد "داد و گرفت اقتصادی" بانک جهانی، در اوایل سال 2013 پخش گردیده است، افغانستان در قطار آخرین کشور های ردیف میگردد که در آن "زمینه های سرمایه گذاری های ناگوار" حاکم است. در گزارش ماه جنوری همین سال (2013) بانک جهانی، در بین 185 کشوری که در جدول سرمایه گذاری درج اند، کشور ما در ردیف 160 قرار میگیرد. (59) به این ترتیب نظر به بلند بودن سطح خطرات، زمینه های سرمایه گذاری در کشور جذابیت خود را از دست میدهد. نظر به گزارش بانک جهانی، حتی در سال 2012 حجم سرمایه گذاری ها نظر به سال قبل در حدود هشت در صد کاهش یافته است. برای سرمایه گذاری از جمله به یک "فضای مطمئن سیاسی" نیاز است که منجر به کاهش خطرات شده و در نتیجه زمینه ساز سرمایه گذاری های بیشتر گردد. با کاهش سرمایه گذاری و تداوم فرار سرمایه، قشر کارندان تخریکی و انجیری که گردانندگان تصدی ها شمرده میشوند، نیز از کشور دوباره فرار مینمایند. این فرار مغزها – braindrain - به

نوبت خود ضربه بزرگی بر پیکر اقتصادی و اجتماعی کشوری پنداشته میشود، که موج فرار مغز ها را در دوره های قبلی هنوز هم هضم نکرده است.

انکشاف نا متوازن بیلانس تجارت

بیلانس تجارت افغانستان از یک دهه به این سو گویا با کسر مزمن و ساختاری مواجه است. این کسر در حدود 40 درصد محصول نا خالص اجتماعی کشور را احتوا مینماید. این کسر بیلانس تجارت از طریق کمک های خارجی مستقیم و غیر مستقیم جبران میگردد. طوریکه روند ساختاری تجارت (واردات و صادرات آسیا) نشان میدهد، این کسر در دوره پسا خروج، یعنی پس از سال 2014 نیز دوام خواهد کرد؛ به ترتیبی که حجم صادرات کشور در حدود ده در صد حجم واردت کشور را احتوا مینماید. در رابطه با این اصل "کسر ساختاری و مزمن" از یکسو و کاهش کمک های مالی خارجی از سوی دیگر، بر اقتصاد کشور از دو جهت تأثیرات منفی وارد میگردد:

- از ناحیه پایین آمدن ارزش پول افغانی در مقابل اسعار و
- در نتیجه از طریق "انفلاسیون وارداتی"، بلند رفتن سطح قیمت ها.

بلند رفتن پایه انفلاسیون از یک طرف قیمت ماشین آلات لازمی برای صنایع داخلی را بلند برده و چشم انداز سرمایه گذاری با در نظر داشت پایه مفاد متصدیان سرمایه گذار مکرر میسازد. از سوی دیگر بلند رفتن قیمت مواد مصرفی واراتی، بویژه در بخش مواد "احتیاجات اولیه" منجر به فقر سرتاسری شده و گودال اقتصادی بین اغنیا و مستمندان را هنوز هم بیشتر میسازد.

تأثیرت روانی فرار سرمایه از کشور را میتوان در بخش امکانات ساختمانی و خرید و فروش املاک مشاهده کرد. در شهر کابل، و نه تنها درین شهر حتی از همین حالا مشاهده میشود که قیمت کرایه خانه ها، به ویژه خانه های مجلل و بزرگ که برای شرکت های خارجی موضوع بحث میباشد، دست کم بیست در صد نزول نموده است. این سیر نزولی به شکل سر سام آور دوام دارد. خانه ی مجلی که در کابل مجهز با تمام وسایل قبلاً در حدود 50 هزاردالر امریکایی ماهانه به کرایه میرفت، حال به 20 تا سی هزار دالر نیز به کرایه گرفته نمی شود. نقیب الله شیرانی، مالک "شرکت معاملات افغانستان نوین" میگوید که شرکت های معاملاتی قبلاً در جستجوی پیدا کردن خانه با قلت عرضه روبرو بودند. ولی حالا برخلاف، نظر به افزایش عرضه، کرایه دادن خانه به یک معضله مبدل شده است. به نظر او "کار و بار او در حدود 40 در صد کاهش" یافته است. (60) البته باید افزود که افزایش عرضه خانه، به و یژه برای قشر متوسط تا اندازه هم مربوط به تداوم پروژه های خانه سازی است که قبلاً طرح گردیده اند. این شرکت ها امروز حتی با پذیرش اقساط و توام با خطرات خانه های مسکونی را عرضه می نمایند.

همچنان باید متذکر شد که چشم انداز رکود نسبی اقتصادی که با فقدان منابع مالی برای سرمایه گذاری های درون مرزی در پیوند تنگاتنگ قرار دارد، خود منجر به محدود شدن امکانات بهره برداری اقتصادی میگردد. کاهش بهره بر داری اقتصادی به نوبت خویش از یک طرف تنش های سیاسی را در بین قشر نوپا میافزاید و از سوی دیگر گودال رفاه اقتصادی را بین اغنیا و مستمندان هنوز هم بیشتر میسازد.

در آخرین تحلیل کشور در گرو کمک های خارجی و وابستگی اقتصادی و سیاسی همیشگی قرار گرفته است؛ وابستگی ساختاری که فرآورد اجتناب نا پذیر سیاست های نیولیبرالیزم قشر نوپا میباشد.

وابستگی گسترده ی اقتصادی-سیاسی ناشی از استراتژی انکشاف ملی

البته غلبه بر بروز چنین حالت رکود نسبی اقتصادی و پی آمد های ناگوار اجتماعی آن نباید به این نظر منتهی گردد، که تداوم حضور نیرو های رزمی از آن استنباط گردد. خروج نیرو های رزمی از نگاه تاریخی اجتناب ناپذیر و از نظر سیاسی الزامی است. ولی علت اصلی این انکشاف در روند ناسالم سیاسی-اقتصادی کشور در 12 سال گذشته مضمر میباشد. در اینجا به سه معضله تعیین کننده اشاره می شود که سخت باهم گره خورده اند:

➤ **ثقلت بخش نظامی در ازای بخش های اقتصادی:** از زمان مداخله جامعه جهانی در سال 2001 با این سو، هزینه نظامی نیرو های بین المللی در افغانستان به یک هزار میلیارد دالر امریکایی بالغ میگردد. در حالیکه کمک های مالی اقتصادی به کشور 66 میلیارد دالر رقم زده میشود. قابل توجه این نکته است که کمتر از چهل در صد این کمک های اقتصادی از طریق بودجه دولت مرکزی به مصرف رسیده است.

➤ **ناچیز بودن سهم هزینه های درون مرزی در حجم کلی کمکهای اقتصادی:** نظر به پژوهش بنیاد "Peace Dividend Trust" از هر دالری که باسم کمک های انکشافی برای افغانستان تخصیص داده شده است، فقط 40 سنت آن در داخل کشور به مصرف رسیده است. (61) باینترتیب روشن میگردد که 60 در صد کمک های انکشافی اصلاً در خود کشور های کمک کننده و لی بنام افغانستان "حیف و میل" شده است.

➤ **عدم کارایی نظام اقتصادی "نیولیبرالیزم":** "استراتژی انکشاف ملی افغانستان" که در سال 2008، در هم آهنگی با نظرات "نیو لیبرالیزم" طرح و تدوین شد، رشد اجتماعی، نهادینه شدن دموکراسی و انکشاف اقتصادی کشور را به بن بست کشانید. (62) این استراتژی نخبگان کرسی نشین تحت رهبری سیاسی گروه کرزی سرزمین هندوکش را، طبق آمار اقتصادی و واقعیت های اجتماعی، به یک کشور وابسته اقتصادی، متزلزل نظامی و ضربه پذیر سیاسی تبدیل کرد. "راهکار بیرون رفت ازین بن بست، ایجاب بازنگری ریشه یی را در تفکر سیاسی و اقتصادی کشور میکند.